جلسه 1486

سه شنبه 25/07/96

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.

بحث در جهت سادسه در این هست که ملاک دخول در غیر که در قاعده تجاوز مطرح است و یا خروج من الشیء که باز در قاعده تجاوز مطرح شده، ویا ملاک فراغ و مضیّ از عمل که در قاعده فراغ مطرح شده چیست؟

اما ملاک خروج من الشیء و دخول در غیر که در قاعده تجاوز مطرح شده است، مشهور قائل شده اند که ملاک آن این هست که داخل بشویم در هر چیزی که سزاوار نیست داخل شدن در آن بدون اتیان به آن جزء مشکوک. اگر ما اتیان نکرده بودیم به آن جزء مشکوک، سزاوار نبود در حال التفات داخل در این فعل بشویم، حالا که داخل شده ایم صدق می کند که خرجنا من ذلک الجزء المشکوک و دخلنا فی غیره.

فرق می کند این چیزی که داخل در او شده ایم جزء واجب متأخر باشد، یا جزء مستحب متأخر باشد، یا اصلا جزء نباشد فضلا از اینکه واجب باشد یا مستحب، مثل شک در سلام نماز بعد از دخول در تعقیب یا شک در سلام نماز بعد از اتیان منافی. خب سزاوار نیست ما با فرض عدم اتیان به سلام آخر نماز داخل در تعقیب بشویم، چون تعقیب استحبابش مشروط است به ما بعد سلام، یا سزاوار نیست که ما بدون اتیان به سلام آخر نماز اتیان به منافی بکنیم. کل ما لاینبغی الاتیان به و الدخول فیه مع ترک المشکوک فی حال الالتفات همین کافی است برای اینکه محقق خروج من الشیء و الدخول فی الغیر باشد.

صاحب عروه وا کثر محشین بر عروه همین نظر را قائلند، ولذا می بینید می گویند اگر در حال قنوت شک بکند در قرائت، قاعده تجاوز جاری است، با اینکه قنوت جزء مستحب هست، یا شک بکند در رکوع در حال هویّ الی السجود، می گویند قاعده تجاوز جاری است، با اینکه داخل نشده است در جزء متأخر، هویّ الی السجود که جزء نماز نیست، سجود جزء نماز است، همین مقدار که داخل شد در مقدمه جزء لاحق، این تعریف صادق است که اتیان بما لاینبغی الاتیان به علی فرض ترک المشکوک السابق، خب هویّ الی السجود همین هست، سزاوار نیست انسان هویّ الی السجود بکند در فرض ترک رکوع.

در مقابل این نظر، نظری است که مرحوم نائینی و مرحوم آقای خوئی و مرحوم استاد و مرحوم آقای صدر قائل شده اند، فرموده اند: ضابط قاعده تجاوز خروج از محل شرعی مشکوک است، باید شارع محل تعیین کرده باشد برای این مشکوک. ولذا دخول در مقدمه جزء لاحق کافی نیست برای جریان قاعده تجاوز، زیرا شارع نگفت ارکع ثم اهو الی السجود، بلکه شارع گفت ارکع ثم اسجد، باید شارع محل شرعی برای این مشکوک قرار داده باشد قبل از اتیان به آن امر لاحق که داخل در او شدیم تا صدق کند خروج من الشیء أی من محله.

بین مرحوم نائینی با مرحوم آقای خوئی و مرحوم استاد وآقای صدر باز اختلاف است.

مرحوم نائینی فرموده: تجاوز از محل شرعی یعنی داخل بشویم در یک عملی که آن عمل مشروط است به سبق این مشکوک، این می شود تجاوز از محل شرعی این مشکوک. مثلا قنوت، قنوت استحبابش در نماز مشروط هست به اینکه بعد القرائة باشد، والا تشریع می شود کسی بخواهد قبل از تمام کردن قرائت در رکعت دوم قنوت بگیرد، شما وقتی داخل قنوت بشوید داخل شده اید در یک عملی که مترتب است بر قرائـت، شک بکنید در قرائت قاعده تجاوز جاری است، یا اگر داخل بشوید در تعقیبات نماز شک بکنید در سلام، داخل شده اید در یک عملی که مترتب است شرعا بر سلام، شارع فرموده است مستحب است بعد از تمام شدن نماز تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها بخوانید.

ولذا طبق نظر مرحوم نائینی اگر شک بکنیم در جزء سابق با دخول در جزء واجب لاحق، قاعده تجاوز جاری است، شک بکنیم در قرائت بعد از دخول در رکوع، شک بکنیم در قرائت سوره حمد بعد از دخول در سوره بنابراینکه سوره واجب است، این قاعده تجاوز دارد بلا اشکال، واین قدر متیقن از قاعده تجاوز است. مرحوم نائینی می فرماید ولکن قاعده تجاوز به این اختصاص ندارد، بلکه اگر شک بکنیم در جزء سابق با دخول در جزء مستحب لاحق و یا حتی امر مستحب لاحق مثل تعقیبات که اصلا جزء هم نیست ولکن استحبابش مترتب است بر اتمام نماز، قاعده تجاوز جاری است.

فقط در دخول در مقدمات جزء لاحق قاعده تجاوز جاری نیست، چون شارع که امر نکرده است به مقدمات جزء لاحق. و همینطور اتیان منافی، منافی که امر ندارد، احداث حدث که امر ندارد مترتبا علی الصلاة، این مجرای قاعده تجاوز نیست.

سؤال: سمع الله لمن حمده چطور؟ جواب: هر امری که مستحب مترتب هم باشد کافی است به نظر مرحوم نائینی در اینکه اگر شک بکنیم در جزء سابق قاعده تجاوز جاری می کنیم. اعوذ بالله من السیطان الرجیم گفتیم تا حمد را شروع کنیم، مستحب است قبل از سوره حمد استعاذه، شک کردیم هنگام استعاذه در تکبیرة الاحرام. خب ما استعاذه را به قصد اینکه مستحب است بعد از تکبیرة الاحرام و قبل از سوره حمد استعاذه کنیم استعاذه را انجام دادیم، از نظر مرحوم نائینی قاعده تجاوز جاری است در تکبیرة الاحرام.

اما مرحوم آقای خوئی و دو شاگرد بزرگوار ایشان فرموده اند نخیر، تجاوز از محل شرعی به این مطلب که مرحوم نائینی گفت محقق نمی شود، تجاوز و خروج از محل شرعی مشکوک به این است که ما وارد یک عملی بشویم که صحت آن مشکوک یعنی صحت آن جزء سابق مشروط است به لحوق این امر لاحق، شرط اینکه صدق بکند خروج من الشیء أی الخروج من محله الشرعی و التجاوز عن محله الشرعی این است که ما وارد یک عملی بشویم که صحت آن جزء سابق مشروط است به لحوق این عمل لاحق.

شک در تکبیرة الاحرام می کنیم در حالی که داخل قرائت شدیم، بله، صحت تکبیرة الاحرام مشروط است به لحوق قرائت، چون هر مرکب ارتباطی اجزائش به هم مرتبطند، شرط صحت جزء سابق لحوق اجزاء متأخره است، شرط صحت تکبیرة الاحرام لحوق قرائت است، ولذا وقتی داخل در قرائت شدیم از محل شرعی تکبیرة الاحرام گذشته ایم، چون شرط تکبیرة الاحرام این است که یتعقبها القرائة.

اما اگر داخل در استعاذه شدیم مگر شرط صحت تکبیرة الاحرام این است که بعد از آن استعاذة بکنیم؟ من استعاذه نمی خواهم بکنم مگر تکبیرة الاحرامم باطل است؟ یا اگر شک بکنم در ال قنوت در قرائت، مگر شرط صحت قرائت این است که بعد از آن قنوت بیاید؟ قنوت مستحب است من می خواهم قنوت نگیرم آیا قرائتم باطل می شود؟ ابدا. و یا در حالی که داخل در تعقیبات شدم شک می کنم در سلام، مگر شرط صحت سلام آخر نماز این است که بعد از آن تعقیبات بخوانیم؟ من عالما عامدا سلام نماز را که دادم، تازه آقایان می گویند السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته هم لازم نیست ما هم همان السلام علیکم را می گوئیم نه تعقیباتی و نه چیز دیگری، نمازمان باطل است؟ نه، پس شرط صحت سلام لحوق تعقیبات نیست. و ضابط تجاوز از محل شرعی که معنای خروج من الشیء است و الدخول فی غیره، این است که ما از آن محل جزء مشکوک خارج بشویم داخل بشویم در یک عملی که شرط صحت آن جزء مشکوک ما هست.

سؤال: چرا نمی گویند شرط صحت عمل؟ جواب: فرض این است که قاعده تجاوز در جزء مشکوک جاری می کنیم، نتیجه یکی است، شرط صحت آن جزء مشکوک این است که بعد از آن این جزء واجب بعدی را بیاوریم، شرط صحت نماز هم این است، منتهی بحث عالم عامد هست، بحث این نیست که در حال اضطرار یا نسیان نماز صحیح است ولو با ترک قرائت مثلا، آن مهم نیست، مهم این است که محل شرعی به حسب حکم اولی لولا حدیث لاتعاد محل شرعی سوره حمد این است که بعد از آن یک سوره از قرآن بخوانیم بنابراینکه قرائت سوره از قرآن واجب است، حالا سهوا نخواندیم حدیث لاتعاد داریم بحث دیگری است، همین مقدار که شرط صحت سوره حمد این است که جزء واجب بعدی که قرائة سورة من القرآن است بیاید این در هنگامی که سوره را می خوانیم شک کنیم در قرائت سوره حمد قبل از آن، قاعده تجاوز جاری است.
مرحوم آقای خوئی یک نقضی می کند به مرحوم نائینی، می گوید جناب نائینی! لازمه فرمایش شما که در حالی که در حال تعقیبات هستیم شک می کنیم در سلام بگوئید قاعده تجاوز جاری است، این است که اگر در حال تعقیبات نماز شک کنیم در اصل نماز، ما نشسته ایم داریم به اسم تعقیبات تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها را می گوئیم، شک کردم من اصلا نماز خواندم یا نه، باید ملتزم بشوید به جریان قاعده تجاوز، در حالی که هیچ فقیهی به این ملتزم نشده است، فرق هم نمی کند، چه فرق می کند؟ اگر قاعده تجاوز با دخول در تعقیبات جاری است، چه آن مشکوک ما سلام نماز باشد که جزء نماز است یا کل نماز باشد، چه فرق می کند؟

البته این نقض مبتنی بر این هست که مرحوم نائینی قائل بشود به جریان قاعده تجاوز در شک در کل عمل، در حالی که مرحوم نائینی ظاهرا این را ملتزم نیست، ایشان قاعده تجاوز را مختص می کند به شک در أجزاء نماز نه شک در کل نماز. این نقض به مرحوم نائینی وارد نیست، ولی کسانی که قاعده تجاوز را در شک در کل عمل هم جاری می دانند خب این نقض به آنها مطرح می شود.

آقای سیستانی فرموده اند: آقا! چرا اینقدر به نائینی حمله می کنید؟ اگر در روایت آمده بود خرجت من محل شیء، جا داشت شما بگوئید که ظاهر محل محل شرعی است، و محل شرعی هم ظاهر است در همین که شما می گوئید که داخل بشویم در یک عملی که لحوق آن عمل شرط صحت آن جزء مشکوک باشد، مثل اینکه داخل بشویم در رکوع شک کنیم در قرائت ولحوق رکوع شرط صحت قرائت است.

اما در روایت که نیامده اذا خرجت من محل شیء، بلکه در روایت آمده اذا خرجت من شیء، و عرفا خروج من الشیء صادق است هم بر خروج حقیقی از شیء که در مورد قاعده فراغ می گوئیم و هم بر خروج عنائی از شیء، به هر دو می گویند خرجت من الشیء.

ولذا ایشان مختارشان در قاعده فراغ و تجاوز هم این است که قاعدة واحدة، جامعش خروج من الشیء است اما بنفسه او بمحله، اما در تعبیر روایت نیامده خروج از محل، ملاک صدق عنائی خروج من الشیء است در موارد قاعده تجاوز که عرف بگوید خرجت منه و دخلت فی غیره. آقا عرف در همه مواردی که مرحوم نائینی گفت بلکه بالاتر از آن، بالاتر از آن، آن چیزی است که مشهور گفته اند که شک در جزء سابق با دخول در مقدمات جزء لاحق است، آقای سیستانی گفته اند عرف صادق می داند خرجت من الشیء و دخلت فی غیره را.

پس جناب آقای خوئی! این اشکال های شما به مرحوم نائینی وارد نیست، چون در روایات نیامده خروج من المحل تا بث کنیم این محل چیست، محل شرعی است و محل شرعی چیست تا بعد بگوئید محل شرعی آن است که من می گویم، نخیر، در تعبیر روایت آمده خرجت من شیء و دخلت فی غیره، واشکال شما به نائینی وارد نیست.

آقای سیستانی می گوید بلکه طبق این بیان ما اصلا همان حرف مشهور درست است، دخول در مقدمات جزء لاق هم کافی است برای اینکه عرف بگوید داخل شدی در چیزی که سزاوار نبود که داخل آن بشوی در فرض ترک آن جزء مشکوک، در فرض ترک رکوع سزاوار نبود هویّ الی السجود بکنی، همین کافی است که بگویند خرجت من شیء و دخلت فی غیره فشکک لیس بشیء.

طبعا نتیجه این می شود که این محدودیتی که آقای خوئی درست کرده و گیر داده به مشهور و مرحوم نائینی، نه این محدودیت در کار نیست، ولذا نه اشکال آقای خوئی به نائینی وارد است که چرا توسعه می دهی، و نه حتی اشکال نائینی به مشهور وارد است، توسعه دارد صدق خروج من الشیء و الدخول فی غیره.

**اقول:** به نظر ما این اشکال آقای سیستانی و دفاعی که از مشهور کرده اند درست نیست. چرا؟ برای اینکه یک وقت مجاز با قرینه یک ظهور عرفی دارد، رأیت اسدا یرمی، یا می گوئید زید اسد، عرف این مجاز ادعائی را می فهمد که بخاطر شجاع بودن زید گفته اند زید اسد یا رأیت اسدا یرمی.

اما گاهی استعمال مجازی نامعهود است از نظر عرف، نکته عنایت و مجاز را عرف استظهار نمی کند. اینجا باید أخذ به قدر متیقن بکنیم، جای اطلاق گیری نیست. و ما معتقدیم این تعبیر که در قاعده تجاوز بکار رفته است که گفته اند اگر از چیزی خارج شدید و داخل در غیر شدی سپس شک کردی در انجام دادن آن چیز، اصلا عرف می گوید ما همچنین تعبیری پیشمان معهود نیست، از یک طرف بگوئید خارج شدی از چیزی گذشتی از چیزی، بعد می گوئید بعد از اینکه داخل در چیز دیگر شدی شک کردی که آن شیء را انجام دادی یا نه. اگر من شک دارم که انجام دادم آن شیء را، پس چطوری می گوئی از آن شیء گذشتی و از آن شیء خارج شدی؟ یک عنایت و مجازی در کار است، اینکه نکته عنایت چیست عرف برایش معهود نیست، و لذا به نظر ما باید اخذ به قدر متیقن کرد.

قدر متیقن همان چیزی است که آقای خوئی فرموده است، قدر متیقن همان است که خارج بشویم از جزء سابق و داخل بشویم در جزء واجب لاحق که شرط صحت جزء سابق هست، شرط صحت جزء سابق این است که ما این جزء لاحق را بیاوریم. آقا اگر من در حال قنوت شک بکنم در قرائت، من نمی دانم آن نکته ای که منشأ شد که امام بفرماید خرجت من الشیء در اینجا هست، شاید نکته اش این است که محل شرعی قرائت در صحیحه زراره این بود که قبل الرکوع باشد بعد از آن رکوع بجا بیاوریم، اما محل شرعی قرائت این نیست که بعد از آن قنوت بجا بیاوریم.

سؤال وجواب: بعد از اینکه امام مصادیقی را ذکر کردد، شک فی القرائة و قد رکع، زراره پرسید امام فرمود یمضی، شک فی الرکوع وقد سجد، امام فرمود یمضی، شک فی التکبیر و قد دخل فی القرائة امام فرمود یمضی فرمود یا زرارة اذا خرجت من شیء و دخلت فی غیره فشکک لیس بشیء، عرف اطلاق گیری نمی کند چون نکته عنایت و مجاز برای عرف مشخص نیست. می گوید شاید اطلاق عنائی خرجت من شیء و دخلت فی غیره به این خاطر است که از محل شرعی قرائت می گذریم وقتی داخل رکوع بشویم، چون شارع گفته لابد ان تکون القرائة قبل الرکوع، یعنی یشترط فی صحة القرائة لحوق الرکوع، چه می دانیم، ما بیشتر از این ظهوری نداریم.

مرحوم نائینی یک استدلالی کرده برای مدعای خودش که دخول در جزء مستحب و یا حتی عمل مستحب کافی است، استدلالی کرده و استدلال ایشان را آقای خوئی جواب داده و جواب خوبی داده است.

مرحوم نائینی فرموده است همین که داخل شدیم در یک عمل مستحبی که مترتب است بر آن مشکوک، همین کافی است در صدق خروج من الشیء والدخول فی غیره، به چه دلیل؟ ایشان می گوید صحیحه زراره می گوید شک فی الاذان و قد دخل فی الاقامة، قال یمضی، شک فی الاذان و الاقامة و قد کبّر، قال یمضی، خب اینها اجزاء مستحبند ولی امام قاعده تجاوز جاری کرد، پس معلوم می شود لازم نیست جزء واجب باشد.

اقول: خب جناب نائینی بحث ما این است که جزء سابق واجب است جزء لاحق مستحب است مثل قرائت و قنوت، شما اینجاها می خواهید قاعده تجاوز جاری کنید، اشکال به شما این است که شرط صحت قرائت لحوق قنوت نیست. این چه ربطی دارد به مثال اذان و اقامه؟ شرط صحت اذان این است که بعدش اقامه بگوئیم، مگر می شود اذان بدون اقامه؟ اذان اعلامی را نمی گویم، اذان صلاة را می گویم، مگر می شود اذان الصلاة بگوئیم بعدش اقامه نگوئیم، اصلا او مستحب نیست تشریع است، شرط صحت اذان نماز اذان این است که بعد از آن اقامه بگوئیم، ولذا وقتی داخل شدیم در اقامه و شک کردیم در اذان داخل شده ایم در عملی که صحت آن مشکوک سابق مشروط است به لحوق این عمل لاحق، صحت اذان مشروط است به لحوق اقامه، یا اگر بعد از تکبیرة الاحرام شک بکنیم در اذان و اقامه قاعده تجاوز جاری است، چوت صحت اذان و اقامه مشروط است به لحوق نماز، کسی که اذان و اقامه بگوید و نماز نخواند تشریع است، استحباب اذان و اقامه برای کسی است که بعدش نماز می خواند، این چه ربطی دارد به مثال شما که شک می کنیم در قرائت در حالی که داخل قنوت شدیم؟ صحت قرائت که مشروط به لحوق قنوت نیست.

اما اینکه چرا امام قاعده تجاوز جاری کرده اند در این مثالها، خب اثر استحبابی دارد، آن بحث دیگری است، مستحب است کسی که داخل می شود در تکبیرة الاحرام و تکبیرة الاحرام می گوید بعد علم پیدا می کند اذان و اقامه نگفته است مستحب است نماز را قطع کند برگردد اذان و اقامه بگوید، امام فرموده اند یمضی یعنی انشاء الله تو به این اذان و اقامه مستحب عمل کرده ای و به تو نمی گویند مستحب است قطع کنی این نماز را برای تدارک اذان و اقامه. همانطور که در مورد شک فی القرائة و قد رکع اثر یمضی این است که می گوید کسی که بعد از رکوع بفهمد قرائت را ترک کرده، یا واجب است یا مستحب است سجده سهو بر او، یمضی، نیاز به سجده سهو ندارد، بخاطر این اثرها قاعده تجاوز جاری شده است، حالا یا در قرائت و یا در اذان و اقامه که جزء مستحب است، ولی این ربطی ندارد به آن مدعای محقق نائینی که با دخول در جزء مستحب لاحق قاعده تجاوز درجزء واجب سابق جاری می کرد.

امام قده فرموده اند: من هم نظرم این است که معیار قاعده تجاوز خروج از محل شرعی است، چرا؟ برای اینکه وقتی که امام علیه السلام فرمود: اذا خرجت من شیء، عرف از آن اذا خرجت من محل شیء می فهمد، چون خروج حقیقی از خود شیء که نیست چون فرض این است که آن شیء مشکوک الوجود است، پس می شود خروج از محل شیء. هر مقننی عنوانی را که در موضوع قانون اخذ می کند ظاهرش این است که یعنی طبق قانون ما، اگر مقنن بگوید یجوز للزوج ان یستمتع بزوجته یعنی زوج طبق قانون ما، یا یجوز للمالک ان یتصرف فی ملکه یعنی مالک در قانون ما.

اینجا هم اذا خرجت من شیء أی من محل شیء، این را شارع گفت، یعنی محل طبق قانون ما، پس می شود اذا خرجت من شیء یعنی خروج از محل شرعی شیء.

ولکن عملا امام دخول در جزء مستحب و دخول در مقدمات جزء لاحق را فرموده اند مصداق قاعده تجاوز است، یعنی در قاعده مند کردن قاعده تجاوز سخت گیری کرده اند، اما در تطبیقات تساهل کرده اند، در قاعده مند کردن قاعده تجاوز فرموده اند باید تجاوز از محل شرعی مشکوک بشود، چون وقتی شارع می گوید خرجت من شیء این یعنی خرجت من محل دیگر، چون قرینه داریم، چون از اصل وجود شیء که خراج نشده ایم شک داریم در وجود شیء مشکوک، پس می شود خرجت من محل شیء، محل شیء که شارع می گوید یعنی محل شرعی، اما همه اینها داخل در محل شرعی است، حتی آن چیزی را که مرحوم نائینی هم قبول نداشت که دخول در مقدمات جزء لاحق بود امام فرموده اند نه، او هم تجاوز از محل شرعی است دیگر، دخول در جزء مستحب که هست دخول در مقدمات جزء لاحق هم هست.

اقول: انصافا کسی که آن کبری را قاعده مند می کند آنوقت در صغریات و تطبیقات اینجور توسعه می دهد اشکال به او وارد است. خب با دخول در مقدمات جزء لاحق که ما خارج نشده ایم از محل شرعی شیء مشکوک، باید خارج بشویم از محل شرعی مشکوک. آقا! من در حال نهوض الی القیام بین راه شک کردم در اینکه سجود کرده ام یا نه، مگر شارع گفته که محل شرعی سجود قبل النهوض الی القیام است؟ شارع گفته محل شرعی سجود قبل القیام است، و نهوض الی القیام که قیام نیست، نیم خیز شدن به سمت قیام که قیام نیست، چه جور این را مصداق تجاوز از محل شرعی می دانید؟

فقط امام قده با این توسعه ای که دادند در تطبیقات تجاوز از محل شرعی، تجاوز از محل عادی را خارج کرده اند. این را توضیح بدهم:

در مقابل محل شرعی ما یک محل عادی داریم و یک محل عقلی داریم، حالا محل عادی را امروز بگویم:

 محل عادی هم گاهی محل عادی نوعی است، مثل اینکه از دستشویی می آید بیرون شک می کند که تطهیر کرد یا نه، خب محل عادی نوعی تطهیر کجاست؟ در دستشوئی و بیت الخلاء است دیگر.

محل عادی شخصی مثل کسی که مقید است همیشه قبل از نهار نماز می خواند، حالا امروز نهار می خورد نمی داند نماز خوانده است یا نه، تجاوز از محل عادی شخصی شده است.

مرحوم شیخ فرموده است که: ممکن است ما قاعده تجاوز را در تجاوز از محل عادی جاری کنیم، چون هو حین یتوضأ اذکر منه حین یشک.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری فرموده: تجاوز از محل عادی نوعی اگر باشد مثل همان خروج از بیت الخلاء و شک در تطهیر، بله بعید نیست صدق کند اذا خرجت من شیء، خرجَ از محل تطهیر.

امام می خواهد به اینها اشکال کند، که نه، تجاوز باید از محل شرعی باشد، تجاوز از محل عادی ولو محل عادی نوعی کافی نیست. تأمل بفرمائید انشاء الله تا فردا.